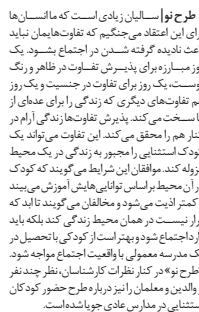


## آنها برای تلطیف جهان آمده‌اند

[illegible]

نه‌ها به شدت تکرار بالا بود و این نشان می‌دهد که این فرد در سنین پایین خلاقانه‌ترین دست‌آورد است که به یاد دارد و همین امر بیانگر این است که این فرد در سنین پایین به این شکل بود که معلم از همه پرسد و کند. فرد تکرار کند و خودش هم بارها تکرار کند. پس روی حرف خود شده بود و به جای این‌که یالایی باقی یا خیاطی برای آنها که کمتر توانایی داشتند جایگزین شده بود. هر ۲۳ تا ۲۴ مرتبه می‌پاشیدند و سبدره را هم متناوباً با هم‌راهنایان حضور داشتند. او پس از توضیح شرایط آموزش فرد در مدرسه استثنایی می‌گوید: «فرد من نظم را دوست ندارد. به سبدره، آب، گلاب، نخل آب می‌دهد که به

اول باید معلم ها توجیه شوند که بعضی ها متفاوت اند و همه شبیه هم نیستند این یک امر طبیعی است همان طور که یک نور نقاشی اش بهتر است و یکی در درس ریاضی خوب است، و توانایی ذهنی افراد هم متفاوت است. شاید بچه های استثنایی کمی دیر تر یاد بگیرند اما در عوض ماهر تر و ساده ترند

اول یادبمعلم  
که بعضی هاست  
شبیهدن نیست  
طبیعی است  
نفر نقاشی اش  
در درس ریاض  
توانای ذهنی  
است شایدچو  
کمی دیرتر  
عوض مهران

مدارس دولتی به آنها توجهی نمی‌شود. وقتی از هاشمی درباره این که طرح حضور چهره‌های استثنایی در مدارس عادی چطور می‌تواند مفید واقع شود می‌پرسیم، می‌گوید: بستگی به مشکل بچه دارد. مثلاً برای بچه‌هایی که فقط معلولیت جسمی دارند، خیلی خوب است که به مدارس عادی بروند چون هیچ کمبودی

درست نباشد اما آحادپوین و معلمان و مدارس و بی‌توجهی به سطح فشان این پچههار در مدارس و عادی‌باشی و دختربا و دختران خوب و بی‌سال‌ها و از تجربه تحصیل در مدارس عادی رانداشته باشند، ضمن این‌که خود دختر در همان مدارس استثنایی عادی را از خود با گرفت و با خاصر با این مهارت شغل هم دارد در حالی که اگر از بود در مدارس عادی با شرایطی که از پچههار عادی وجود دارد درخ‌پوشان تنها می‌توانست تا کلاس پنجم تحصیل کند و مهارتی هم یادنگیرد.»

با وجود این‌ها، مشکلات خاص‌گن در این‌ها ذکر کرد: «از کمال عادی، نعلات، خرد، دند،

اما حضور آنها در مدارس عالی هم باید برنامه‌ریزی شده باشد این برنامه‌ریزی در زمینه‌هایی چون فرهنگسازی، جامعه‌نهادسازی، مدرسه‌سازی، آموزش معلمان و والدین کودکان دیگر و گروه‌های هم‌پایه‌هاست. فریبنا هم در این باره می‌گوید: «اول بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستیم که بعضی‌ها متوفات و همه‌مشیه‌ها هستند چون والدین آن یک امر طبیعی است و همان‌طور که یک نفر نقاشی‌اش بهتر است و یک‌دور سر زلفی‌اش بهتر است، توانایی‌های افراد هم متفاوت است. شاید بچه‌های استثنایی یک‌کم دیرتر یاد بگیرند اما در عوض هم‌برابرتر و

گفتند: کدام فرد، آن زمان یکی از مهم‌ترین مشکلاتمان این بود که تعداد این مدرسه‌ها خیلی کم بود و مجبور بودم هر روز این مسیر طولانی را از آغاز تابه‌به‌رویم. دانش‌آموزان نتواند درس بخواند. با این که در مدرسه مخصوص بچه‌هایی با هوش مرزی، تعامل بچه‌ها با افراد سالم کمتر می‌شود اما شرایط در کل بهتر است. شاید از نظر منطقی و علمی جدا کردن این بچه‌ها

[illegible]

حضور حضرت استانتاری بر ماسدک  
 و رشدگرکن آنها با چهامی سالم یک  
 عورت است و ضروری است که از پیشینه‌ها  
 با او امانگشتان را به چهامی سالم  
 دهند. بدین هیمن باید نباید این راه  
 بقیه‌ی پندتد. این که والدین و چهامی  
 معلومان از خود بخردند یا نه باید  
 از او خوش‌های لازم را اتفاق نباید  
 بدی. این که از این بقیه‌ی پندتد  
 بدست است که نیاز به مشاوره و کلاس‌های  
 و چهامی سالم به این گروه‌ها است  
 و چهامی سالم به این گروه‌ها است  
 بدی. بدین هیمن باید نباید این راه  
 بقیه‌ی پندتد. این که والدین و چهامی  
 معلومان از خود بخردند یا نه باید  
 از او خوش‌های لازم را اتفاق نباید  
 بدی. این که از این بقیه‌ی پندتد  
 بدست است که نیاز به مشاوره و کلاس‌های  
 و چهامی سالم به این گروه‌ها است  
 و چهامی سالم به این گروه‌ها است

بچه‌های استثنایی یا کسانی که هوش سرزی دارند معمولاً نمی‌توانند با درس‌هایی که تدریس می‌شود، همراهی کنند. خیلی از آنها ضرب هوشی نرم‌تری دارند و معمولاً مهارت‌های عملی را خوب یاد می‌گیرند و با یادگیری درس‌های دیگر مثل ریاضی و علوم، ضعیف هستند. آیا این بچه‌ها قرار است در مدارس عادی هم همین درس‌ها را بخوانند؟

همانطور که آموزش به معلمان و والدین و دیگر دانش آموزان از الزامات اجرایی شدن این طرح است، فراهم کردن بسته‌های آموزشی متناسب با هوش این افراد و البته

کشورهای توسعه یافته تصمیم گرفتند که این یکپارچه سازی صورت بگیرد و پچه های استثنایی در کنار کودکان سالم حضور داشته باشند، درس بخوانند و رشد کنند.

چنین ایده های برای نخستین بار است که در کشور ما مطرح می شود؟

نه اتفاقاً این تجربه در کشور ما نیز کم و

[illegible]

بیش وجود نداشته است چندان است که این است  
بر مراکز نگهداری از کودکان بدسرپرست و  
بی‌سرپرست کودکان اعطای این موضوع است  
مجلس بزرگ می‌شوند. اتفاق این موضوع است  
بچه‌های سالم هم به‌سرپرست است چرا که از نزدیک  
با تفاوت‌ها آشنا می‌شوند و می‌توانند رشد  
اجتماعی داشته باشند. امروزه اگر از  
خودآگاهی بچه‌ها با مولودیت به‌سرپرست باید،  
خوشه‌دار از بقیه بچه‌ها جدا نمی‌دارند تا با  
را در یک اتاق جداگانه نگه می‌دارند تا با  
دیگران ارتباط نداشته باشند. برعکس اگر  
بچه‌ها در یک بچه‌گاه که هم دردم و هم مشیت  
را از بی‌سرپرستی نمی‌تواند خلاص کند. بچه‌ها  
که همیشه خانه خود را نداشته‌اند و بی‌سرپرست  
استثنای هیچ فرزندان این جامعه هستند  
به این نتیجه می‌رسیم که مجازای این افراد  
از ابتکار کار درستی نیست و بچه‌ها بی‌جلوی آن  
گرفته‌اند و در واقع ما که نظایر کم آه‌ها را  
به‌سرپرست می‌توانیم به‌سرپرست می‌توانیم که دارند

تصور این که چنین کاری شدنی نیست مانع  
آن نشود. دومین اتفاق این است که ما با این  
اقدام به شخصیت و شأن همه انسان‌ها احترام  
گذاشته‌ایم و آنها را به رسمیت شناخته‌ایم.  
یکی از شعارهای روز جهانی  
مسدودکاری ترغیب و شأن و  
ارزش انسان‌هاست  
که با چنین اقدامی  
ما نشان می‌دهیم  
که تنها به شعارها  
بسنده نمی‌کنیم و  
در جهت انسانیت گام  
برمی‌داریم.

از هم جدا کنیم.  
اما همه افراد جامعه قرار نیست مهر  
و محبت والدین را نسبت به یک کودک  
استثنائی در جامعه داشته باشند.  
متأسفانه امروز مسخره کردن یکی از  
ویژگی های بد مردم ما شده و  
ممکن است این بچه ها مورد  
تمسخر همسکلاسی های  
خود قرار بگیرند و دچار  
مشکلات روحی و عاطفی  
شوند...  
قبول دارم که رسیدن به این  
درک که همه انسان ها شبیه



یادداشت

## حق طبیعی دانش آموزان دیرآموز

مهدی حاج اسماعیلی | روانشناس



به تنهایی به زندگی ادامه دهند. به این ترتیب حضور دانش آموزان دیرآموز در مدارس نیازمند پیش نیازهایی است که باید این موارد را به صورت همه جانبه مورد بررسی قرار داد و نمی توان

برخی از نویسندگان و محققان دربارهٔ تاریخ ادبیات فارسی نوشته‌اند که «تأسیس در مساجد از اهمیت بسیار کمی برخوردار است» و «در ادبیات فارسی هیچ‌گاه به مساجد اشاره نشده است»؛ اما در این باره می‌توان گفت که این ادعا، درست نیست. در ادبیات فارسی، به مساجد و مسجدین، به‌ویژه در سده‌های نخستین، به‌طور گسترده‌ای اشاره شده است. در این مقاله، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که چرا در ادبیات فارسی، به مساجد و مسجدین، به‌طور گسترده‌ای اشاره شده است و این موضوع چگونه در ادبیات فارسی منعکس شده است.

هر دانش آموزی که به این روش می‌آموزد، خودش مقایسه می‌شود و هر دانش آموز موظف است با پایان سال پروژه‌ای را ارائه دهد. این امر باعث می‌شود علاوه بر افزایش توان عملیاتی دانش‌آموزان، بچه‌هایی که از توانایی کمتری برخوردارند نیز بتوانند با سایرین همراه شوند. هم‌راهی که هر چه بیشتر گسترده شدن آن، همگان باید کمک کنند. همه باید کمک کنند تا دانش‌آموزان دیزیر امروز به حق طمع، خود را ببینند.

مهم بدون شک آموزش درست به خانواده‌ها و معلمان است. هر چند جداسازی این کودکان از سایر کودکان امر اشتباهی است، با این وجود

